



Fitting and Path Analysis knowledge Management Model and Its Role in the Creativity Faculty Members (The Case of Implementing Universities Distance Education)

Mozaffar Sharifzadeh¹, Sana Safari¹, Amir Heydari Chiane²

1. Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Department of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Article Information

Article history:

Received: 2016/02/13

Accepted: 2017/04/24

Available online: 2017/07/23

EDCBMJ 2017; 10(3): 172-179

Corresponding author at:

Dr. Sana Safari

Department of Educational
Sciences, Payame Noor
University, Tehran, Iran

Tel:

+989125822049

Email:

sa.safari@ymail.com

Abstract

Background and Aims: The present study aimed to Fitting and Path analysis knowledge management model and its role in the creativity of faculty members in universities implementing distance Education.

Methods: The aim of this study is applied and the method is incorporated into the kind of quality and quantity. The study population included all faculty members at universities, education administrators from around the country that in 2901 people. Data collection from non-structured questionnaires, semi-structured and structured been used. Confirmatory factor analysis was used to check the validity of the questionnaire. Using Kolmogorov-Smirnov normality of the data and the analysis and evaluation of structural equation model (software AMOS) and to analyze the data, Lisrel and Spss software is used.

Results: The aim of this study in terms of applied and the method is combination of quantitative-qualitative. The study population consists of all faculty members of distance education implementing universities around the country that counts to 2901 members. In the qualitative phase sampling purposive sampling method (non-probabilistic), including 12 experts in the field of management and quantitative sampling and sample according to cochran formula 339 people. To gather data, questionnaires unstructured, semi-structured and structured been used. Confirmatory factor analysis was used to check the validity of the questionnaire. Using Kolmogorov-Smirnov normality of the data and the analysis and evaluation of structural equation model (software AMOS) and for data analysis, software is used Lisrel v8.80.

Conclusion: Effective management of knowledge provides the context in which the creation, sharing and application of knowledge in implementing distance education universities established And backgrounds to create an organization that provides creative and innovative members.

KeyWords: knowledge Management, Creativity ,Faculty Members, Distance Education

Copyright © 2017 Education Strategies in Medical Sciences. All rights reserved.

How to cite this article:

Sharifzadeh M, Safari S, Heydari Chiane A. Fitting and Path Analysis knowledge Management Model and Its Role in the Creativity Faculty Members (The Case of Implementing Universities Distance Education). Educ Strategy Med Sci. 2017; 10 (3) : 172-179



دانشگاه علوم پزشکی تهران



Farname Inc.

دو ماهنامه علمی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی

مرداد- شهریور ۱۳۹۶

2017;10(3): 172-179

www.edcbmj.ir

مقاله اصلی

برازش و تحلیل مسیر مدل مدیریت دانش و نقش آن بر خلاقیت اعضای هیئت علمی (مورد مطالعه: دانشگاه‌های مجری آموزش از دور)

مظفر شریف زاده^۱، ثنا صفری^۱، امیر حیدری^۲

۱. گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و اهداف: پژوهش حاضر به برازش و تحلیل مسیر مدل مدیریت دانش و نقش آن بر خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور می‌پردازد.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، آمیخته از نوع کیفی و کمی است. جامعه آماری این پژوهش، مشتمل بر کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور کشور که ۲۹۰۱ نفر است. روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی به صورت نمونه‌گیری هدفمند (غیر احتمالی)، مشتمل بر ۱۲ نفر از خبرگان در حوزه مدیریت و در مرحله کمی شامل نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی است و تعداد نمونه نیز بر اساس فرمول کوکران ۳۳۹ نفر است. جهت گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه غیر ساختارمند، نیمه ساختارمند و ساختارمند استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه‌ها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برای تحلیل مسیر و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری با کاربرد (نرم‌افزار AMOS) و به منظور تجزیه تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار Lisrel V8.80 استفاده شده است.

یافته‌ها: وضعیت موجود مدیریت دانش و خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور، در سطح مطلوبی قرار دارد و بین دو متغیر مدیریت دانش و خلاقیت در جامعه آماری همبستگی معنادار وجود دارد و در مجموع می‌توان با تسامح گفت مدل از برازندگی نسبتاً مناسبی برخوردار است. **نتیجه‌گیری:** مدیریت مؤثر دانش بستری فراهم می‌کند که در آن خلق، به اشتراک‌گذاری و کاربرد دانش در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور نهادینه شده و زمینه برای ایجاد سازمانی با اعضاء خلاق و نوآور فراهم شود.

کلمات کلیدی: مدیریت دانش، خلاقیت، اعضای هیئت علمی، آموزش از دور

کپی‌رایت ©: حق چاپ، نشر و استفاده علمی از این مقاله برای مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی محفوظ است.

تاریخچه مقاله

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۴

انتشار آنلاین: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱

EDCBMJ 2017; 10(3): 172-179

نویسنده مسئول:

دکتر ثنا صفری

گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور،

تهران، ایران

تلفن:

۰۹۱۲۵۸۲۲۰۴۹

پست الکترونیک:

sa.safari@gmail.com

مقدمه

عصر حاضر، عصر تحولات و تغییرات شگرف در فناوری‌هاست. عصری که ساختار فکری آن آکنده از عمق بخشیدن به دانش و توجه به مشارکت نیروی انسانی خلاق و دانش گرا به جای نیروی انسانی عملکردی است. از این رو، مدیریت اندیشمند بر آن است تا هر چه بیشتر و بهتر، از ابزاری به نام دانش برای رویارویی و مقابله با عدم اطمینان، حفظ موقعیت و ایجاد خلاقیت برای گسترش عرصه رقابتی خود استفاده نماید. این امر مستلزم آن است که سازمان با ارج نهادن به مدیریت دانش و

خلاقیت، آن را به عنوان یک نیاز استراتژیک و ضروری برای پیشگامی در عرصه رقابت‌پذیری، در زمره برنامه‌های اولویت‌دار خود قرار دهد^[۱]. به گفته Peter Drucker، راز موفقیت سازمان‌ها در قرن بیست و یکم همان مدیریت دانش است^[۲]. بنابراین، مدیران سازمان‌ها باید با تکیه بر دانش برتر امکان اتخاذ تصمیمات معقول‌تر در زمینه موضوعات مهم و بهبود عملکردهای مبتنی بر دانش را پیدا کنند. در واقع، مدیریت دانش، مقوله‌ای مهم‌تر از خود دانش محسوب می‌شود و سازمان‌ها درصدد آن هستند که

نحوه چگونگی تبدیل اطلاعات و دانسته فردی و سازمانی را به دانش و مهارت‌های فردی و گروهی را تبیین کنند. از این‌رو، مدیریت دانش بدون شک، یکی از مهم‌ترین مقدمات برای عملکرد یا نوآوری سازمان است^[۳]. مدیریت دانش، یک دیدگاه برنامه‌ریزی‌شده و ساختارمند برای ایجاد، به اشتراک‌گذاری و ذخیره کردن دانش به‌عنوان یک دارایی سازمانی است که برای ارتقای توانمندی، سرعت و اثربخشی سازمان در ارائه محصولات یا خدمات برای مشتریان در راستای استراتژی کسب‌وکار می‌باشد^[۴]. از نظر Lee در کنار یک مکانیزم ارزیابی منظم و اصولی، رهبری و هدایت قوی واقف به ارزش دانش و منابع انسانی داخلی و همچنین وجود یک فرهنگ سازمانی تسهیل‌کننده همکاری و یادگیری و زیرساخت‌های فنی پشتیبان آموزش و پژوهش مهم‌ترین عوامل مؤثر در کاربرد مدیریت دانش می‌باشد^[۵].

Stadt در پژوهشی که با عنوان تعیین سطح رشد دانش در سازمان‌ها انجام داد به بحث در مورد سطح رشد دانش در ۵۰ کمپانی با استفاده از پژوهشی کیفی می‌پردازد نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رشد دانش به‌طور متوسط در این سازمان‌ها وجود دارد. همچنین Arilla Orly Arentzon Bichina and Martin Novias Nellia در تحقیقی تحت عنوان عوامل موفقیت در پیاده‌سازی سیستم‌های مبتنی بر دانش به بررسی عوامل تضمین‌کننده کارآئی و اثربخشی سیستم‌های مدیریت دانش پرداخته‌اند و مدلی را ارائه داده‌اند که به اجرای موفقیت‌آمیز سیستم‌های مبتنی بر دانش کمک می‌کند^[۶]. تعاریف مختلفی برای خلاقیت از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. Amabil صاحب‌نظر خلاقیت در تعریف خلاقیت بر مواردی چون سطوح خلاقیت و محیط تأکید دارد. بدین معنی که خلاقیت عبارت است از تولید ایده‌های تازه و ارزشمند توسط یک فرد یا گروه کوچکی از افراد که با هم کار می‌کنند. هسته اصلی یا عامل مشترک در همه تعاریف مربوط به خلاقیت ایجاد مفهوم جدید و با ارزش است^[۷]. به گفته Allard خلق دانش جدید برای خلاقیت، یکی از دلایلی است که سازمان‌ها را برای استفاده از اطلاعات، برمی‌انگیزاند^[۸]. شناخت عوامل مؤثر بر خلاقیت افراد در سازمان‌ها، می‌تواند کمک کند تا با تقویت آن‌ها، بستری مناسب برای پرورش و تعالی سازمان فراهم شود؛ عوامل مؤثر بر خلاقیت در دو دسته کلی، عوامل مؤثر فردی و عوامل مؤثر سازمانی طبقه‌بندی می‌شوند. عوامل فردی شامل، خلق‌و‌خو و طبیعت، انگیزش، توانایی‌های عقلانی، ذهنی و فکری، علم و دانش می‌شود و عوامل سازمانی شامل، سیستم پاداش، سیستم آموزش، شیوه و سبک رهبری، فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی و امکانات

می‌باشد^[۹]. بیشتر محققین، خلاقیت را اغلب به‌صورت دوتایی در مقابل هم قرار داده‌اند. که در این پژوهش به‌منظور سنجش و ارزیابی خلاقیت، بر اساس تقسیم‌بندی بر اساس طبقه‌بندی Nelson&Quvik ابعاد خلاقیت در حوزه سازمان به عوامل فردی و سازمانی دسته‌بندی می‌شود^[۱۰]. یکی از مباحث غیرقابل‌انکار در سازمان‌های امروزی، اهمیت حیاتی بحث خلاقیت برای سازمان‌ها و از سوی دیگر نقش بسیار مؤثر مدیریت دانش در بروز خلاقیت سازمانی است. امروزه در پیش گرفتن رفتارهای خلاقانه و ایجاد تغییر و دگرگونی در سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها، امری ضروری است. از این‌رو تولید و بهره‌گیری از ایده‌های تازه، این امکان را به سازمان می‌دهد که بتواند با شرایط متغیر بازار منطبق شده، به تهدیدها و فرصت‌ها پاسخ به‌موقع داده و رشد و توسعه یابد. کمبود خلاقیت و نوآوری نیز یکی از عوامل اصلی پائین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است و تا زمانی که این کشورها خلاقیت، نوآوری و آموزش‌های استفاده از علوم و دانش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای را ارتقاء نداده‌اند بازدهی و کارایی نیروی کار سازمان‌ها، در سطح نازل باقی می‌ماند^[۱۱]. چراکه با توجه به‌شتاب تحولات، محیط رقابتی و عدم اطمینان محیطی در دنیای امروز، دانش، راهبردی‌ترین منبع برای حفظ و تقویت مزیت به شمار می‌رود و مدیریت اثربخشی دانش یکی از جدیدترین چالش‌های سازمان‌ها است و مدیریت دانش بستری فراهم می‌کند که در آن کسب اطلاعات، دانش و به اشتراک‌گذاری آن در سرتاسر سازمان نهادینه می‌شود و زمینه را برای ایجاد سازمانی خلاق و نوآور فراهم می‌سازد^[۱۲]. باید پذیرفت که اهمیت خلاقیت نزد سازمان‌ها پیوسته در حال رشد است. به قول برینتسون امروزه در پاسخ به این سؤال که چرا باید خلاقیت داشته باشیم؟ بیان می‌شود که چون مجبور هستیم. تلاش‌های خلاقانه در سازمان، نتیجه سرمایه‌گذاری در امر مدیریت دانش است^[۱۳]. محققان مختلف بر نقش محوری مدیریت دانش در ایجاد یک محیط کاری که از خلاقیت حمایت کند تأکید کرده‌اند^[۱۴]. اهمیت خلاقیت در موفقیت سازمان‌ها تنها منحصر به بخش‌های تولیدی کشور نیست، بلکه این مسئله در بخش‌های خدماتی و ازجمله دانشگاه‌ها، که پرورش‌دهنده منابع انسانی آینده هستند، صادق بوده و اهمیت بیشتری نیز می‌یابد. نیاز به افراد خلاق و نوآور در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی آموزشی، اهمیتی دوچندان دارد، چراکه این مراکز نقش بسیار مهمی را از لحاظ تعلیم و تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص برای کلیه سازمان‌ها و ادارات به عهده‌دارند. نتایج تحقیق لیائو و همکاران در بین ۳۶۲ واحد تولیدی در چین نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین کسب دانش و افزایش خلاقیت در سازمان‌ها می‌باشد.

کاربردی کردن مدیریت دانش باعث افزایش خلاقیت اعضای هیئت علمی دانشگاه های مجری آموزش از دور شود.

اهداف تحقیق

بررسی وضعیت مطلوب متغیر مدیریت دانش در دانشگاه های مجری آموزش از دور.

بررسی وضعیت مطلوب متغیر خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور.

بررسی وضعیت موجود متغیر مدیریت دانش در دانشگاه های مجری آموزش از دور.

بررسی وضعیت موجود متغیر خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور.

تعیین میزان رابطه متغیر مدیریت دانش با خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور.

سؤال های پژوهش

وضعیت مطلوب متغیر مدیریت دانش در دانشگاه های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

وضعیت مطلوب متغیر خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

وضعیت موجود متغیر مدیریت دانش در دانشگاه های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

وضعیت موجود متغیر خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور به چه میزان است؟

چه رابطه ای بین مدیریت دانش با خلاقیت اعضای هیئت علمی در دانشگاه های مجری آموزش از دور وجود دارد؟

روش بررسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، ترکیبی از نوع کیفی و کمی بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه های مجری آموزش از دور کشور می باشند که تعداد آن ها ۲۹۰۱ نفر است که شامل دانشگاه های پیام نور، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشگاه تربیت مدرس می شود. دلیل انتخاب دانشگاه های مجری آموزش از دور به عنوان جامعه آماری در این تحقیق، مرتبط بودن شاخه رشته تحصیلی پژوهشگر (آموزش از دور رشته علوم تربیتی) در دکتری تخصصی است. در این پژوهش، تعداد نمونه بر اساس

یعنی هر چه میزان کسب دانش و اشتراک آن در سازمان افزایش داشته باشد میزان خلاقیت نیز در بین کارکنان افزایش خواهد یافت که این بیانگر وجود شدت همبستگی قوی بین دانش و خلاقیت در سازمان است^[۳]. مدیریت سازمان می تواند با مدیریت صحیح خلاقیت و نوآوری کارکنان دانشی خود، این امکان را برای آن ها به وجود آورد که در مسائل سازمانی که نیاز به راه حل های جدید دارند، از این افراد بهره گیرند. بنابراین، سازمان ها باید شرایطی را فراهم سازند تا خلاقیت به شکل مداوم و پیوسته ظهور یابد و ایجاد این شرایط از وظایف مدیریت دانش است. طبیعی است که در هر سازمانی برخی دانش تئوری مفید و برخی نیز دانش عملی مفیدی دارند که در صورت به اشتراک گذاری این دانش می توان جهشی بزرگ در زمینه مدیریت دانش و از پی آن رفتار نوآورانه و خلق دانش را در سازمان ها شاهد بود^[۱۵]. اصطلاح آموزش از راه دور را اولین بار کراس وضع کرد و از نظر او به انواع آموزش هایی اشاره دارد که از فن آوری های اینترنت و اینترنت برای یادگیری استفاده می کند. cooper آموزش الکترونیکی را مجموعه فعالیت های آموزشی می داند که با استفاده از ابزارهای الکترونیکی اعم از صوتی، تصویری، رایانه ای و شبکه ای صورت می گیرد^[۱۴]. Mayer به تعریف مفهومی از آموزش الکترونیکی پرداخته است و آن را یادگیری فعال و هوشمندی می داند که ضمن تحول در فرایند یاددهی- یادگیری در گسترش و تعمیق و پایدار ساختن فرهنگی فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش اساسی و محوری خواهد داشت^[۱۵]. دانشگاه نهاد خلاقیت و نوآوری است؛ دانشگاه خلاق، مکانی آموزشی و پایه کارش تولید و ارتقای کیفیت دانش است^[۱۵]. لذا امروزه دانشگاه های مجری آموزش از دور به اعضای نیاز دارند که بتوانند به سرعت در روش های جدید مشارکت داشته باشند، به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، همکاری نمایند، به طور مستقل اطلاعات را جستجو و ارزیابی کنند، با رغبت دانش خود را به شیوه ای که قابل درک و آماده برای به کارگیری است با همکاران خود به اشتراک بگذارند و این در واقع مسئولیت سازمان های آموزشی است تا فارغ التحصیلان خود را با چنین توانایی هایی آماده سازند^[۱۶]. با بررسی پیشینه پژوهش، این نتیجه حاصل می شود که بیشتر تحقیقات علمی در زمینه تشریح سیستم مدیریت دانش در سازمان های پروژه محور، به صورت مدل های ساختاری ارائه شده اند که در زمینه فعالیت های مختلفی مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند؛ همچنین روش تحقیق مورد استفاده در آن ها بر اساس رویکرد کمی بوده است. آنچه این تحقیق را از سایر تحقیقات متمایز می سازد، استفاده از رویکرد کیفی و کمی است و پژوهشگر به دنبال طراحی یک مدل جدید است که بتواند با

فرمول $cochran$ ۳۳۹ نفر است. روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی به صورت نمونه‌گیری هدفمند (غیراحتمالی)، مشتمل بر ۱۲ نفر از خبرگان در حوزه مدیریت و در مرحله کمی شامل نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی بوده است. جهت گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه غیر ساختارمند، نیمه ساختارمند و ساختارمند استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. بارهای عاملی بالاتر از $0/۳$ نشان‌دهنده اعتبار لازم برای پرسشنامه است. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و ارتباط بین دو متغیر مدیریت دانش و خلاقیت با استفاده از ضریب همبستگی مورد بررسی قرار گرفته است. از تحلیل عاملی تأییدی برای روایی سازه، نتایج تحلیل مسیر، آزمون سؤال‌های پژوهش و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (نرم‌افزار AMOS) استفاده شده است. به منظور تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Lisrel v8.80 استفاده شده است.

یافته‌ها

بخش کیفی

دانشگاه‌ها به عنوان سازمان‌هایی که نقش اساسی در رشد و توسعه علمی، فرهنگی و تربیت نیروی انسانی متخصص دارند باید همگام با تحولات علمی، آموزشی و متناسب با نیازها و مقیاس‌های ملی و جهانی، فرایند کیفیت آموزشی خود را به طور مستمر بهبود بخشند. یافته‌های به دست آمده از مصاحبه با اعضای هیئت علمی، درباره محدودیت‌های سازمانی، جو سازمانی، سیاست‌های مدیریتی موانع و راهکارهای احتمالی بهبود کیفیت آموزشی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور در مقوله‌های ذیل قرار داده شد:

به نظر مصاحبه‌شوندگان، استراتژی‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها پاسخگوی نیازها و انتظارات دانشجویان و جامعه نبوده و سبب کاهش کیفیت آموزش و نارضایتی آنان شده است. کیفیت دارای شاخص‌هایی مثل رضایت دانشجویان و اعضای هیئت علمی از وضعیت آموزشی دانشگاه، افزایش مشارکت و همکاری افراد در فعالیت‌های دانشگاه بوده که کمتر مورد توجه دانشگاه‌هاست. امروز یافته‌های علمی در حوزه‌های مختلف به سرعت در حال افزایش و تغییر بوده در حالی که برخی از اعضای هیئت علمی صرفاً از علوم و دانش قبلی خود استفاده کرده و با یافته‌های جدید همراه نیستند. از نظر اعضای هیئت علمی، دانشگاه‌های مجری آموزش از دور نتوانسته‌اند امکانات کافی را برای اعضای خود در امر مستندسازی در راستای به اشتراک گذاری دانش فراهم کنند و همچنین بعضی از دانشگاه‌های مورد نظر فاقد دفتر یا واحد مشخص برای پیگیری امور مربوط به خلق و ذخیره دانش هستند و نه تنها جلسات

مستمر و منظم برای تبادل اطلاعات میان مدیران با اعضا وجود ندارد حتی سامانه‌های مدیریتی همچون نظام پیشنهادها، اتاق فکر و شورای مشورتی به معنای واقعی وجود ندارد. از طرفی، دانشگاه‌ها در زمینه خلاقیت اعضای هیئت علمی خود نتوانسته‌اند انگیزه لازم را برای تبدیل تصورات ذهنی به ایده‌های عملی آن‌ها بالابرد و حتی موفق به ایجاد سیستم تشویقی مطلوب مبتنی بر عملکرد و به طور عادلانه نشده‌اند. در حالت کلی استنباط می‌گردد که خلاقیت اعضای هیئت علمی پیش شرط لازم برای اثربخشی آموزشی و پژوهشی آن‌ها می‌باشد و به اعضا کمک می‌کند به طور مؤثر در کلاس درس و کارهای پژوهشی اثربخشی بالاتری داشته باشند. بنا به نظر اعضا، در صورتی که دانشگاه‌ها در گسترش آموزش ابعاد مدیریت دانش (خلق دانش، تسهیم دانش، به کارگیری دانش و کاربرد دانش) موفق عمل کنند، اعضای هیئت علمی اعتماد و میل به یاددهی و یادگیری در عملکرد آموزشی و تعاملات بین فردی و مشارکتی خود را تقویت خواهند نمود. لذا انجام موفقیت‌آمیز مدیریت دانش در گرو شناسایی درست اولویت‌های عملکردی دانش، درک و تشخیص نیازها، مأموریت‌ها و هدف‌های آن، به کارگیری ابزارهای مدیریت دانش ترجیحی و فراهم ساختن حمایت‌های مدیریتی وابسته به سازمان می‌باشد. با کاربست مدیریت دانش در دانشگاه‌ها، امر تدریس و یادگیری بهبود می‌یابد و دانش به راحتی میان همه اعضای دانشگاه تسهیم می‌شود. علاوه بر آن‌ها دانش استادان و بهبود رفتارهای آنان باعث بهبود رضایت شغلی، کاهش استرس کاری و بهبود یادگیری دانشجویان می‌شود.

بخش کمی

وضعیت موجود مدیریت دانش

بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه می‌توان گفت تفاوت بین میانگین مؤلفه‌ها با میانگین معیار معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. بنابراین در اکثریت مؤلفه‌ها و متغیر مدیریت دانش میزان متغیرها بیشتر از متوسط است. یعنی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور از آزادی عمل، فضای مساعد در جهت به اجرا درآوردن نظریه‌ها و ایده‌های خود، جو و فرهنگ مناسب برای تبادل دانش بین همکاران، توانایی انجام کار گروهی، وجود سازوکارها و ابزارها در دانشگاه‌ها برای تبدیل دانش نهان به دانش آشکار و از دانش به عنوان کلید موفقیت و شایستگی فعالیت‌ها برخوردارند. هدایت دانش فردی در راستای اهداف آموزشی مستلزم ایجاد محیطی مبتنی بر تشریک دانش، تحول و تعامل بین اعضا است و به عنوان یک

راهبرد آگاهانه به توسعه، ذخیره، توزیع و تسهیم دانش و افزایش عملکرد آموزشی اعضای هیئت علمی در دانشگاه می‌پردازد.

وضعیت موجود خلاقیت

برای پاسخ به این سؤال از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۵۰ به عنوان نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین متغیر با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شد. در اکثریت مؤلفه‌ها و متغیر خلاقیت میزان متغیرها بیشتر از متوسط است. یعنی در بخش خلاقیت فردی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور، دارای قابلیت حل مسئله با یک‌رویه صحیح و گام‌به‌گام، اهمیت دادن به عقاید و باورها، احساسات شهودی بالا، توانایی پیش‌بینی راه حل یک مسئله و نهایتاً از یک شخصیت قابل اعتماد و مسؤولیت پذیر برخوردارند و در بخش خلاقیت سازمانی، میزان با ارزش بودن خلق دانش در دانشگاه، استقبال از تغییرات مناسب، احساس تعلق به دانشگاه، روحیه انتقادپذیری، آزادی عمل در اظهارنظر و از بین بردن روحیه محافظه کارانه، استفاده از روش تصمیم‌گیری مشارکتی و از حمایت مالی دانشگاه‌ها از تحقیق و توسعه برخوردارند.

رابطه مدیریت دانش با خلاقیت

نتایج ضریب پیرسون نشان می‌دهد بین دو متغیر مدیریت دانش و خلاقیت در جامعه آماری همبستگی معنادار وجود دارد. مقدار ضریب پیرسون برابر با ۰/۷۷ و معناداری متناظر با آن برابر با ۰/۰۰۰ است. در نتیجه بین متغیر مدیریت دانش و خلاقیت در جامعه آماری مورد مطالعه همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین برابر با ۵۹٪ است که نشان می‌دهد متغیر مدیریت دانش ۵۹ درصد از واریانس متغیر خلاقیت را تبیین می‌کند. یعنی هر چه قدر خلاقیت اعضای هیئت علمی بالاتر باشد توانایی آنان در حل مسائل بیشتر و استفاده آنان از مدیریت دانش نیز بیشتر خواهد بود.

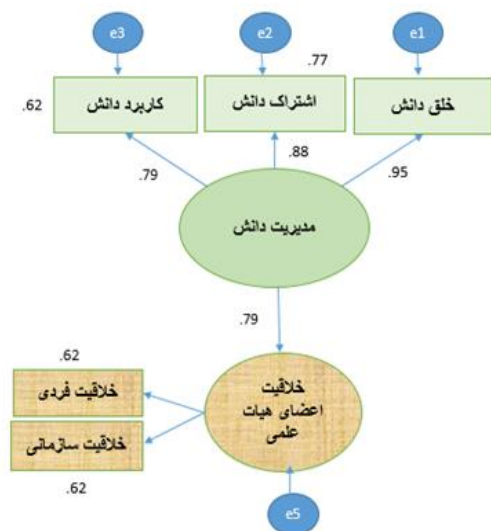
تبیین میزان مؤلفه‌های مدیریت دانش از واریانس خلاقیت

نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام نشان می‌دهد در مرحله اول، متغیر خلق دانش وارد معادله رگرسیون شده است. مؤلفه خلق دانش با متغیر خلاقیت دارای همبستگی قوی (۰/۷۳۹) است. این متغیر به تنهایی حدود ۵۴ درصد از واریانس متغیر خلاقیت را تبیین می‌کند. یعنی هر چه میزان خلق دانش در سازمان افزایش داشته باشد میزان خلاقیت نیز در بین اعضای

هیئت علمی افزایش خواهد یافت که این بیانگر وجود شدت همبستگی قوی بین کسب دانش و خلاقیت در دانشگاه‌هاست.

برازش مدل و تحلیل مسیر

برای تحلیل مسیر و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (با کاربرد نرم‌افزار AMOS) استفاده شده است. شکل ۱ مدل تحلیلی ارتباط بین مدیریت دانش با متغیر خلاقیت را نشان می‌دهد. مقدار روی فلش‌ها، ضرایب مسیر و مقادیر روی مستطیل‌ها، مقدار واریانس تبیین شده است.



شکل ۱. مدل تحلیلی ارتباط بین مدیریت دانش با متغیر خلاقیت

بحث

امروزه در سازمان‌ها دانش به عنوان منبع مولد نوآوری، خلاقیت، بهره وری و افزایش کیفیت کار منابع انسانی، سهولت تبادل اطلاعات و در نهایت رشد و بقای سازمان شناخته می‌شود. پژوهش حاضر به دنبال الگوی جدیدی بوده است که با استفاده از داده‌ها و اطلاعات واقعی طراحی و بر اساس آن به سؤال‌های پژوهش در خصوص وضعیت موجود و مطلوب متغیرهای پژوهش، رابطه و تأثیر شاخص‌های مدیریت دانش بر خلاقیت فردی و سازمانی اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های مجری آموزش از دور پاسخ دهد. در پژوهش حاضر، تمامی شاخص‌های مدیریت دانش، خلاقیت فردی و سازمانی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور، با توجه به بالا بودن میانگین حاصل از میانگین معیار (عدد ۵۰) در سطح مطلوبی قرار دارند. یعنی دانشگاه‌های مجری آموزش از دور از نظر وضعیت موجود مدیریت دانش طبق نظر اعضای هیئت علمی، از فضای مساعد و مناسب جهت به اجرا درآوردن نظریه‌ها و ایده‌های خود، آزادی عمل، جو و فرهنگ مناسب برای تبادل دانش بین همکاران، استقبال افراد از

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از وضعیت موجود متغیر خلاقیت نشان می‌دهد که اعضا از بعد فردی خلاقیت، دارای قابلیت حل مسئله با یک‌رویه صحیح و گام‌به‌گام، اهمیت دادن به عقاید و باورها، احساسات شهودی بالا و نهایتاً از یک شخصیت قابل‌اعتماد و مسئولیت‌پذیر برخوردارند و در بخش خلاقیت سازمانی، میزان ارزش بودن خلق دانش در دانشگاه، استقبال از تغییرات مناسب، احساس تعلق به دانشگاه، روحیه انتقادپذیری، آزادی عمل در اظهارنظر و از حمایت مالی دانشگاه‌ها از تحقیق و توسعه برخوردارند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های، Amabil، Esmith در یک راستا می‌باشد؛ یعنی هر چه قدر خلاقیت اعضای هیئت‌علمی بالاتر باشد توانایی آنان در حل مسائل بیشتر و استفاده آنان از مدیریت دانش نیز بیشتر خواهد بود^[7-17]. جهت دستیابی به اهداف دانشگاه، به‌کارگیری ایده‌های خلاقانه، این انگیزه را در بین اعضای هیئت‌علمی دانشگاه فراهم می‌کند تا آنان در راستای اهداف سازمانی به طراحی ایده‌های نوین و خلاقیت در انجام امور و تولید ایده بپردازند. در این پژوهش برای تحلیل مسیر و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (SEM) (نرم‌افزار AMOS) استفاده شده است. شاخص‌های برازش مناسب مدل شامل NFI (شاخص نرم شده برازندگی)، NNFI (شاخص نرم نشده برازندگی)، RMSEA (شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب)، GFI (شاخص نیکویی برازش) و RMR (شاخص ریشه میانگین مجذورات باقی‌مانده) می‌باشد. بدین‌صورت که مدلی از برازش مناسب برخوردار است که میزان NFI، NNFI، CFI و IFI از ۰/۹۰ بیشتر، RMSEA کمتر از ۰/۱ و همچنین RMR کمتر از ۰/۰۵ باشد. در پژوهش حاضر، شاخص‌های مدیریت دانش (خلق، تسهیم و کاربرد) بر کل شاخص‌های خلاقیت (فردی و سازمانی) و بهسازی (فردی، حرفه‌ای، سازمانی) تأثیرگذار هستند بطوریکه کل اثر علی مدیریت دانش بر خلاقیت ۰/۸۰، در جدول شاخص‌های برازش مدل، حاصل تقسیم مقدار خی‌دو بر درجه آزادی برابر با ۱۱/۷۰۱ است. همچنین مقدار IFI برابر با ۰/۹۷۱، مقدار CFI برابر با ۰/۹۷۱ و مقدار RMSEA برابر با ۰/۱۷۴ است. در مجموع از ۴ شاخص مربوط به برازش مدل ۲ شاخص در حد ایده‌ال و دو شاخص دیگر تفاوت اندکی باحالت ایده‌ال دارد. در مجموع می‌توان با تسامح گفت مدل از برازندگی نسبتاً مناسبی برخوردار است.

تقدیر و تشکر

بر خود واجب می‌دانم از استاد محترم راهنما خانم دکتر صفری و از کلیه اعضای محترم هیئت‌علمی دانشگاه‌های مجری

آشکارسازی دانش، توانایی انجام کار گروهی، وجود سازوکارها و ابزارها در دانشگاه‌ها برای تبدیل دانش نهان به دانش آشکار برخوردارند. این پژوهش با پژوهش‌هایی که توسط Alstete انجام گرفته در یک راستا می‌باشد^[۱۸].

در دانشگاه‌ها برخی دانش تئوری و برخی نیز دانش عملی مفیدی دارند که در صورت به اشتراک‌گذاری این دانش می‌توان جهشی بزرگ در زمینه مدیریت دانش و از پی آن رفتار نوآورانه و خلق دانش را در دانشگاه‌ها شاهد بود. ضروری است دانشگاه‌های مجری آموزش از دور به این مبحث توجه ویژه داشته و ساز و کارهای مناسب را به جهت برقراری ارتباط بین اعضای هیئت‌علمی و به اشتراک‌گذاری دانش در بین آن‌ها را فراهم آورند. لذا دانشگاه‌ها برای موفقیت در درازمدت با خلق، اشتراک و کاربرد مدیریت دانش در دانشگاه به‌سوی تحول و رشد سازمانی گام برمی‌دارند.

پیشنهادهای کاربردی

- پیشنهاد می‌شود مدیران دانشگاه‌های مجری آموزش از دور، امکانات لازم را برای اعضای هیئت‌علمی خود در امر مستندسازی در راستای به اشتراک‌گذاری دانش فراهم آورند.

- طراحی و تدوین یک برنامه استراتژیک با توجه به سرمایه‌های دانشی و فکری دانشگاهی و آینده‌نگاری مبتنی بر فن‌آوری و دانش می‌تواند تصویر نسبتاً روشنی از مسیر دانشی آینده دانشگاه به اعضای هیئت‌علمی بدهد.

- پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌های مجری، انگیزه اعضای هیئت‌علمی خود را برای تبدیل تصورات ذهنی به ایده‌های عملی بالابرد و نسبت به ایجاد سیستم تشویقی مطلوب مبتنی بر عملکرد و به‌طور عادلانه اهتمام ورزند.

پیشنهادهای پژوهشی

- متغیر نوآوری با بهسازی اعضای هیئت‌علمی مراکز مجری آموزش از دور مورد بررسی قرار گیرد.

- متغیر یادگیری سازمانی اعضای هیئت‌علمی مراکز مجری آموزش از دور مورد بررسی قرار گیرد.

- همچنین محققین می‌توانند مقایسه مراکز مجری آموزش از دور را از نظر وضع موجود و وضع مطلوب با تأکید بر خلاقیت و بهسازی مورد بررسی قرار دهند.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارضی در منافع، فرایند نگارش و فرایند داوری مقاله در بین نویسندگان وجود نداشت.

منابع مالی

تمام هزینه های اجرای این پژوهش به صورت شخصی پرداخت شده است.

آموزش از دور که مرا در انجام رساله یاری نمودند تشکر و قدردانی کنم.

تأییدیه اخلاقی

به اعضای هیئت علمی شرکت کننده در پژوهش در خصوص محرمانه بودن پرسشنامه ها اطمینان داده شد.

References

1. Siadat SA, Hoveida R, Nikbakht A, Moghadam A. [Knowledge Management paradigm]. Isfahan: Arkan-Danesh Publisher; 2011. [Persian]
2. Drucker P. Managing Knowledge Means Managin oneself, Leader to Leader. (16);2000
3. Liao Sh H, Wu Ch, Tsui K. Relationships between knowledge acquisition, absorptive capacity and innovation capabilityan empirical study on Taiwan's financial and manufacturing industries. JIs. 2010; 36 (1) : 19-20
4. Mors R. Knowledge Management Systems: Using Technology to Enhance Organizational Learning, (IRMA.IC). 2000; p.426-429.
5. Lee H and Choi B .Knowledge Management Enablers, Processes, and Organizational Performance: An Integrative View and Empirical Examination. JMIS. 2003;20 (1); 179-228.
6. Arielle O, Arentzon B, Martin N N. Success Factors in the Implementation of Knowledge-based Systems; Magazine: General Book Sheet 2010;153 (8) :.82 -89.
7. Amabila T, Regina C, Heather C , Jeffrey L , and Michael H. Assessing the Work Environment for Creativity. Academy of Management Journal 1996; 39 (5) .
8. Allard, S. Knowledge creation. In C. W. Holsapple (Ed.), Handbook on knowledge management. 2003; 1: 367-379
9. Rabii A, Mirza Hassan M, Maali M. Implementation of knowledge management experience is invaluable in Tehran Oil Refining Company. JMHR. 2009;1(7): 141-168. [Persian]
10. Hosseini M. Factors affecting the creativity and innovation and provide a strategy for promotion offaculty members. JES. 2010; 3 (1) : 1-6. [Persian]
11. Cullen J. Knowledge management (review), JASIST.2001; 52 (13): 1190-1192.
12. -Adhikari DR. Knowledge management in academic institutions.(IJEM). 2010; 24 (2), 94-104. [Persian]
13. Brynteson R. "The Manager's Pocket Guide to Innovation", HRD , Inc.2010.
14. Cooper, M., Colwell, C. and Jelfs, A. "Embedding accessibility and usability: consideration for e-learning research and development projects" Alt-J.2007;15(3): 231– 245.
15. Mayer R. IT for Education; Oxford, Oxford,2005. http://etec.cltt.ubc.ca/510wiki/Cognitive_Theory_of_Multimedia_Learning
16. Mohayidin M G. et al. The Application of Knowledge Management in Enhancing the Performance of Malaysian Universities, (EJ M) 2007; 5 (3):. 301 – 312. [Persian]
17. Smith GF. Idea-Generation Techniques : A Formulary Of Active Ingredients .(JCB) 1998; 32 .
18. Alstete J W. Post Tenure Faculty Development: Building a System of Faculty Improvement and Appreciation. Ashe-ERIC Higher Education Report. (2000) ; 27(4).